

جدیدترین جزئیات ربوده شدن مرزبانان میرجاوه از زبان یکی از افراد حاضر در محل

ردپای پررنگ سعودی



مهسا شمس کلانی

روزنامه‌نگار

میرجاوه تنها مرز قانونی در جنوب‌شرق کشور است که رفت‌وآمد مسیاحان خارجی و داخلی از این معبر صورت می‌گیرد و از طریق راه‌آهن، ایران را به شبه‌قاره هند متصل می‌کند؛ به همین دلیل میرجاوه، شرقی‌ترین و استراتژیک‌ترین دروازه ورودی ایران است. در این مرز هم مانند دیگر مرزهای ایران، سابقه درگیری گروهک‌های تروریستی بسیار است. این گروهک‌ها با هدف ناامن‌ن‌شدن مرزهای ایران به نیروهای مرزبانی ما حمله می‌کنند و در برخی موارد هم تعدادی از نیروهای مرزبانی ایران را به شهادت می‌رسانند. از نمونه درگیری‌هایی که در این منطقه انجام شده است، می‌توان به درگیری‌ای که در شامگاه ۶ اردیبهشت ۱۳۹۶ در پی کمین گروهک تروریستی جیش العدل در هنگ مرزی میرجاوه و در نقطه صفر مرزی ایران با پاکستان اشاره کرد که در این درگیری، ۱۰ تن از مرزبانان پاسگاه «میل ۱۰۰» از گروهان «چاه‌نندو» منطقه میرجاوه که مشغول گشت‌زنی بودند، شهید شدند. همچنین در درگیری دیگری در شامگاه ۲۷ فروردین ۹۷، در بخش مرزی ریگ‌ملک شهرستان میرجاوه میل ۸۹، حد فاصل پاسگاه چاه لشکر، دو مرزبان و دو بسیجی شهید شدند.

صبح دیروز خبری در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های داخلی مبنی بر ربوده شدن نیروهای مرزبانی میرجاوه منتشر شد. در جدیدترین جزئیات ربوده شدن ۱۱ نفر از هموطنان در جنوب‌شرق کشور که در خبرگزاری‌های مختلف منتشر شده، آمده است: «براساس تازه‌ترین اطلاعات به‌دست آمده مشخص شد عوامل گروهک تروریستی جیش العدل (جیش الظالم)، ۱۱ بسیجی و سرباز و یک نفر کادر مرزبانی را ربوده‌اند. تحقیقات تکمیلی حکایت از آن داشت که این اتفاق در حوالی برجک ۱۰۴ در دهنه تنگوک در منطقه لولکدان میرجاوه انجام شده است. براساس اعلام منابع رسمی، گروگان‌ها ۶ نفر از بسیجیان، چهار نفر از سربازان وظیفه و یک کادر مرزبانی بودند. این درحالی است که احتمال داده می‌شود مرزبانان ما توسط این گروهک به داخل پاکستان منتقل شده‌اند.» روابط‌عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در اطلاعیه‌ای از ربوده شدن تعدادی از بسیجیان بومی و مرزبانان در نقطه صفر مرزی در جنوب‌شرق کشور با خیانت عوامل نفوذی در این حادثه خبر داد. روابط‌عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «شامگاه گذشته (دوشنبه ۲۳ مهرماه)، تعدادی از بسیجیان بومی و نیروهای هنگ مرزی که در پایگاه مراقبتی در نقطه صفر مرزی (میرجاوه) استقرار داشتند، با خیانت و تبانی عاملی‌ها عوامل نفوذی گروهک‌های ضدانقلاب ربوده شدند. عوامل گروهک‌های تروریستی که از سوی سرویس‌های بیگانه هدایت و پشتیبانی می‌شوند، با فریب و تطمیع عوامل نفوذی، این حادثه را در نقطه صفر مرزی ورویه‌روی یکی از پاسگاه‌های مرزی کشور پاکستان صورت داده‌اند. عملیات تعقیب اشرار، تروریست‌ها و عوامل نفوذی دشمن و نیز اقدامات لازم برای آزادسازی ربوده‌شدگان با

کار سرویس‌های اطلاعاتی منطقه است

یک منبع محلی آگاه در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: اگر بخواهم در رابطه با این حادثه صحبت کنم باید به چند نکته اشاره کنم؛ نکته اول این است که آن طرف مرز یعنی دولت پاکستان باید پاسخ بدهد. برداشت بنده این است که آن طرف مرز آزادی عمل به گروه‌های تروریستی داده می‌شود که یا عمدی یا سهوی است اما این مساله، مشکل ما را عوض نمی‌کند. مانور گروهک‌های تروریستی خصوصاً جیش العدل در این نقطه از خاک پاکستان بیشتر است. نکته بعدی اینکه به هر شکلی میرجاوه نزدیکترین شهر به زاهدان است یعنی به مرکز استان نزدیک است. لذا جریان‌های گروهک‌های تروریستی بیشترین توان شان را در این منطقه می‌گذارند که بتوانند هم مرکز استان را هدف قرار دهند و هم به لحاظ جنگ روانی بیشتر مانور دهند. اینها می‌خواهند بگویند ما نزدیک‌ترین شهر به نقطه مذهبی شما را انتخاب کردیم!

به واسطه اینکه مرز میرجاوه، مرز بازی است و خیلی کشور همسایه به این مرز توجهی ندارد، این اتفاقات می‌افتد. اگر بخواهیم جانب انصاف را در این حادثه رعایت کنیم، به نظر می‌رسد سهل‌انگاری شده است.

نظر امامان جمعه اهل سنت سیستان و بلوچستان در رابطه با ادعای گروه جیش العدل

گروه جیش العدل تاکنون بارها با مرزبانان ایران در این استان درگیر شده، تعدادی از آنها را گروگان گرفته یا به شهادت رسانده است. این گروهک خود را مدافع «اهل سنت» در استان سیستان و بلوچستان می‌داند. در همین راستا با مولوی محمدطیب ملاهی و مولوی عبدالحمید از امامان جمعه اهل سنت استان سیستان و بلوچستان گفت‌وگو کردیم تا به صحت و سقم این ادعای گروه جیش العدل بی‌بریم.



مولوی عبدالحمید

مردم استان سیستان و بلوچستان (شیعیان و اهل سنت) هرگونه خشونت وارد می‌کنند و اصلا اعتقادی به خشونت ندارند. مردم این استان بر این باور هستند که حق و حقوق‌شان را از طریق قانون و گفت‌مان و مذاکره پیگیری کنند. درست است که مردم استان گرفتار تبعیض شده‌اند ولی معتقدند تبعیض و هر نارسایی یا هر گرفتاری از طریق مذاکره و گفت‌مان باید پیگیری بشود، نه از طریق کشتن مردم (مردم کشتی) و نه از طریق گروگان‌گیری. اینکه اهل سنت گرفتار تبعیض هستند را منکر نمی‌شویم ولی شیعه این استان هم گرفتار تبعیض هستند و این تبعیض را باید از طریق گفت‌مان پیگیری کرد و نه اغتشاش و جنگ افروزی. ما ادعای گروهک جیش العدل را به‌شدت رد می‌کنیم و معتقدیم هرکسی که به منافع مردم استان فکر می‌کند، باید از طریق مذاکره وارد شود، حرف بزند تا مشکلات حل شوند، نه اینکه وارد درگیری‌های فیزیکی شود و گروگان‌گیری کند.

جامعه

فرهیختگان این بازخوانی می‌تواند همچون یک کلاس درس یا یک همایش در توضیح و تفسیر این جمله کوتاه باشد؛ غلبه حاشیه بر متن.

جمله‌ای که خیلی شنیده‌ایم، می‌شنویم و خیلی می‌بینیم. حاشیه‌هایی که گاهی آنقدر زیاد می‌شوند که متن فراموش می‌شود و این فرع است که بر اصل ماجرا تقدم می‌یابد.

کمی در خیابان قدم بزیم، فرقی ندارد کجای شهر. آن بالاها که لاکچری نشین است یا این میانه‌ها که اصیل نشین و البته پایین‌ترها که فقیرنشین است. از خردترین وظیفه و خدمت شهری که نظافت شهر است و از سامان یافتن سطل‌های زباله و جوی‌های آب، برآورد می‌شود تا کلان‌ترین‌ها که خیابان‌ها و ویل‌ها و پروژه‌های عمرانی است. بیش از یک سال است که انگار خواب‌رفته‌اند یا به قول عضو سابق شورای شهر، انگار روی آن گرد مرده پاشیده‌اند، همان است که در ابتدا گفتیم؛ یعنی غلبه حاشیه بر متن.

چون چیزی از ساختارها حذف نشده است، خیابان بهشت‌همان خیابان بهشت است و ساختمان شهرداری و شورا هم‌همان ساختمان‌ها اما بهشت‌نشینان یادشان رفته است که در دنیا ساکنند و باید کاری کنند. در صدر اخبار هستند، یعنی هر روز که صفحات خبرگزاری‌ها زین‌رو می‌کنیم، خبری از شهر و شهرداری موجود است اما خبر اخبار خلاصه می‌شود در همان حاشیه‌ها؛ در کارهایی که از متن و اصل نیستند و خروجی‌اش هم در همان خیابان‌گردی‌ها مشخص است.

نجفی با حاشیه آمد

بیش از یک سال از آغاز فعالیت شورای پنجمی‌ها گذشته است. لیستی که مثل مجلس و دولت از تکراری‌ها بود. لیستی که هنوز نیامده، آنقدر سروصدا به پا کرد که انتظار می‌رفت وقت آمدن و شروع فعالیت در سکون باشند و قیل و قال ناتمام شده باشد؛ چراکه سوای این یکدستی در اعضا، از لحاظ گرایش‌های سیاسی، نزدیکی و همسویی با دولت نیز مزیت خاصی بود که در نهایت به حضور شهردار در جلسات هیات‌دولت هم منجر شد، اما این طور نبود. شبهه پرداختن دو میلیاردری برای ورود به لیست که از سوی برخی اعضای سابق و هم‌طیف این لیست در شورای شهر چهارم مطرح شد، از همان ابتدا شورای پنجمی‌ها را به حاشیه برد.

اما به هر طریق انتخاب آنها و آغاز کار شورای پنجم و تغییر شهردار را می‌توان آغاز رسمی حاشیه‌ها و غلبه آنها بر متن شهر دانست.

بعد از کش‌وقوس‌های فراوان و اعلام گزینه‌های متعدد، محمدعلی نجفی با کسب ۲۰ رأی از ۲۱ عضو شورای شهر تهران به‌عنوان شهردار انتخاب شد؛ انتخابی که البته باوقف‌های از سوی وزارت کشور در جهت استعلاها همراه بود و پیش از نجفی، مصطفی سلیمی به‌عنوان سرپرست برگزیده شد. نجفی البته در این ایام به‌رغم اینکه حکمی از وزارت کشور نداشت، برای موسسه همشهری سرپرست‌انتخاب کرد و در ساختمان بهشت هم حاضر شد!

بالاخره نجفی کار خود را به صورت جدی آغاز کرد که این راه می‌توان آغازی دیگر بر حاشیه‌ها دانست.

به‌رغم موضوعات قابل بررسی فراوان، دوره ریاست نجفی بر شهر را می‌توان در چند کلمه خلاصه کرد: بیماری، بیکاری و شاعری.

بیماری

یکی از مشکلات و مشخصه‌های اصلی محمدعلی نجفی مساله مربوط به بیماری او بود که به خاطر آن

روایت «فرهیختگان» از یک‌سال انفعال مدیریت شهری

غلبه حاشیه بر متن شهر

از قبول مسئولیت‌های مختلف معذور بود و ریاست سازمان میراث فرهنگی را نیز به همین علت رها کرد. البته این علتی بود که بیان شد و صحت و سقم آن بماند برای بعد. به‌رغم وجود چنین مشکلی و رسانه‌ای شدن این موضوع، نجفی به‌عنوان شهردار انتخاب شد و در انتها هم با همین علت (بخوانید بهانه) یعنی بیماری قلبی، شهرداری را ترک کرد و استعفا داد. در همین راستا، علی شکوری‌راد، دبیرکل حزب اتحاد ملت در گفت‌وگو با روزنامه اصلاح‌طلب شرق گفت: «کارگزاران می‌خواستند بگویند بیماری، بزرگ‌ترین مشکل است و داتما هم این را می‌گفتند. حزب اتحاد اما می‌گفت اگرچه بیماری وجود دارد ولی عامل اصلی چیز دیگری است و بیماری تنها بهانه شده است که این شد منشأ اختلاف اتحاد و کارگزاران.»

بیکاری

دوره محمدعلی نجفی هم همچون جایگزین‌هایش پر بود از وعده‌هایی که عملی نشد و بر مدار همیشگی مدیریت در کشور، بعدی‌ها هم از عمل کردن به آنها شانه‌خالی کردند؛ از وعده و وعیدهایی برای افتتاح خط ۷ و ۶ مترو که هیچ‌وقت میسر نشد تا مدیریت ناکارآمدی از یک بارش برف در تهران؛ می‌رانی بود از سیاست‌های محمدعلی نجفی در شهر تهران.

ارائه گزارش از شهرداری سابق و نمایش تماما سیاه از اقدامات مدیریت شهری قبلی نیز دیگر کش نجفی در جایگاه شهردار تهران بود که به‌سرعت واکنش‌های مختلفی را برانگیخت و تا همین حالا که این گزارش را می‌نویسم خبری از اتهامات موجود و رسیدگی به آنها نشده است. البته این گزارش درحالی‌ها به اقدامات ۱۲ ساله قالیباف حمله می‌کرد که چند سال ابتدایی مسئولیت قالیباف، نجفی از مدافعان و حامیان او بود.

شاعری

یکی از نکات جالب اخلاقی نجفی در زمان تصدی شهرداری تهران طبع شاعری‌اش بود که او از این موضوع در پاسخ به بسیاری از سوالات هم استفاده می‌کرد به‌نوعی در لفافه سخن می‌گفت. او در پاسخ به علت اولین استعفایش گفته بود: «خوش‌تر آن باشد که سر دلبران، گفته‌آید در حدیث دیگران.» و در استعفای دوم و در پایان بیانیه ترک بهشت نوشت: «یارب این نوگل خندان که سپردی به منش/ می‌سپارم به تو از چشم حسود چمنش.»

اگر نجفی را از فضای مدیریت شهری کنار بگذاریم، مرور وضعیت شورای شهر خود فصل جالبی از همان گزاره غلبه متن بر حاشیه است.

شورای شهر تهران به‌عنوان نهاد سیاستگذار و ناظر بر فعالیت‌های شهری، خود حواشی بسیاری را از سرگذراند که تاثیر سوء این حواشی را به خوبی می‌توان در شهر مشاهده کرد.

انتخاب ۵ شهردار در یک سال

از برخی متخصصان علم مدیریت و کارشناسان شهری که در ارتباط با موفقیت یک مدیر سوال می‌پرسم، ثابت در ادما نگاری و اتخاذ سیاست‌های صحیح را از اصلی‌ترین مولفه‌های دانند؛ دو مولفه‌ای که هیچ‌کدام در یک سال از روی کار آمدن شورای پنجم مشاهده نشد و تا به همین حالا که در حال آماده شدن برای انتخاب پنجمین شهردار هستند، تهران چندین روش مختلف مدیریتی و بی‌بازده را پشت‌سر گذاشته است.

ریخت و پاش و هزینه‌کرد زیاد

نکته دیگر در تشریح عملکرد شورای پنجم، اقدامات

خبر

حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی در روز عصای سفید خیر داد

خدمات ویژه به زائران روشندان

خانواده‌های روشندان گفت: «خانواده‌های روشندان عزیز که دست آنها را می‌گیرند و زندگی‌شان را تسهیل و آسان می‌کنند و برای رفع مشکلات آنها تلاش می‌کنند، افرادی شایسته تقدیر هستند.»

عضو مجمع تشخیص مصحح نظام تاکید کرد: «هرچند در روز عصای سفید از جهاد، ایثار و گذشت جانبازان و اقشاری که به دلایلی بینایی خود را از دست داده‌اند، تقدیر و تجلیل می‌شود اما این تقدیر‌ها نباید در اقدامات تشریفاتی خلاصه شود بلکه باید اقداماتی عینی برای رفاه حال آنان انجام شود.»

وی تاکید کرد: «قشر روشندان باید به لحاظ خدمات حقوقی، اقتصادی و مالی، کار و اشتغال مورد توجه قرار گیرند و مسئولان مختلف به آنها توجه ویژه‌ای داشته باشند.»

حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی بیان کرد: «همه دستگاه‌ها در کشور موظفند زندگی روشندان را تسهیل کنند و مناسب‌سازی فضای شهری برای جانبازان و روشندان جامعه بسیار مهم است.»

تامل برانگیز و هزینه‌بردار آنها پس از ورود به سشورا بود. خرید ماشین‌های جدید برای اعضای شورا، خرید تیلت‌های چند میلیونی، برگزاری جشن و خرید کیک و نصب کولرگازی‌های جدید و... همه یا بخشی از اقداماتی بودند که شورای شهر حداقل برای حفظ ظاهر کار انجام دادند. اینجا البته لازم است از تقلیل موضوعات کلان به این اقدامات بی‌ارزش عذرخواهی شود، اما به‌هرحال در گستره‌ای که هیچ چیزی برای نشان دادن و بیان کردن وجود ندارد، باید از حداقل‌ترین‌ها هم گفت.

جلوی خدمت را هم گرفتند

برخی اقدامات شاید ساخته و پرداخته ما نباشد، یا ما در ایجاد آن نقشی نداشته باشیم، اما اعتلا و توجه به آن می‌تواند برای ما نیز سبب خیر شود و گشایش‌هایی رایجاد کند. نمایشگاه عطر سیب، کمک قابل توجه و گسترده‌ای در مراسم‌های مذهبی از جمله پیاده‌روی اربعین، پروژه‌های رفاهی و خدماتی و عمرانی نیمه‌کاره حتی کامل و... بخشی از این کارهای خیر است که می‌تواند با توجه بیشتر و کارآمدتر موجب گشایش در عرصه مدیریتی شود و رضایت عمومی را به دنبال داشته باشد. مدیریت جدید شهری یا اقداماتی عجیب، همین اقدامات را نیز اضافی دانست و در جهت تقابل با آنها گام برداشت.

بدهی‌های چند ۱۰ هزار میلیاردی، خودسوزی منتقدان شهری و عدم کارآمدی و... را گره زدن به هزینه‌های حدوداً ۱۰ میلیاردی اربعین و نمایشگاه عطر سیب و... تلاشی برای حذف این هزینه‌کرده‌ادر راستای همان حاشیه‌سازی‌ها و حذف اندک خدمات عمومی است.

انتصابات فامیلی، تصادف با خودروی شورای شهر و خسارت زدن به آن و استفاده شخصی از بیت‌المال و تخصیص بودجه به نهاد‌های غیرتخصصی و بی‌بازده و... بخشی از اقدامات مدیریت شهری جدید بوده است که می‌توان آن را در کنار چند تغییر نام خیابان و پارک و چند مصوبه مربوط به باغات و چند تذکر بی‌نتیجه به‌عنوان تمام اقدامات یک‌ساله شورای پنجم ذکر کرد.

افشانی هم با وعده‌هایش می‌رود؟

وضعیت شهر مطلوب نیست، به همان دلایلی که می‌دانیم و پیش‌تر هم گفته بودیم، به دلیل اینکه یک خط مترو آماده‌ر نباشد نتوانستیم تجهیز و افتتاح کنیم. یک اتوبان، یک پارک، حتی یک سینما و مجموعه فرهنگی و رفاهی هم نتوانستیم ایجاد کنیم. با آن چیزهایی که رضایت‌آفرین بودند، مقابله کردیم و حتی در دیوار شهر را هم به بدترین شکل و با ضعف‌هایی طرح‌ها به حالت بدی دچار کردیم. قصد سیاه‌نمایی نیست، اگر نکته مثبتی وجود داشت خود مسئولان شهری آن را بوق و کرنا می‌کردند، اگر نکته مثبتی بود هر از چندگاهی شهردار عوض نمی‌شد، اگر نکته مثبتی بود اتفاقاتی می‌افتاد غیر از آن چیزی که هست! با این همه، هر روز بر احتمال رفتن افشانی اضافه و از درصد ماندنش کاسته می‌شود. هاشمی هم که پای ثابت گمانه‌زنی‌ها برای شهردار شدن و روگردار بی‌نتیجه ماندن این گمانه‌زنی‌ها هست.

چیزی که می‌ماند احتمالاً تمام وعده‌های شهر زیست‌پذیر و شهروند مشارکت‌پذیر است؛ شهری بدون متکدی و کودک کار، شهری با حمل‌ونقل پیشرفته، شهری با رشد خطوط قطار شهری و ایده‌آل که افشانی در اولین و احتمالاً آخرین نشست خبری‌اش از آن گفت.

وی با تاکید بر ارائه خدمات «میزبانی ویژه» از سوی آستان قدس رضوی برای جانبازان و معلولان جسمی، ادامه داد: «مناسب‌سازی خدمات و امکان‌زیارتی برای روشندان در دستور کار آستان قدس بوده و در این زمینه گام‌هایی نیز برداشته و اقداماتی هم انجام شده است تا تشریف جانبازان عزیز، سالمندان و روشندان و سایر افرادی که به‌نحوی معلولیت یا محدودیت جسمی دارند، به حرم مطهر رضوی تسهیل شود.»

تولیت آستان قدس رضوی افزود: «زمان‌های ویژه‌ای را برای زائران ناتوان و معلول در نظر گرفته‌ایم تا آنها در کنار ضریح مطهر و روضه منوره، زیارتی دلنشین داشته باشند.»

وی همچنین تاکید کرد: «مکانی را که آستان قدس رضوی برای ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی در اختیار روشندان گذاشته، باید با پیگیری‌های لازم سریع‌تر راه‌اندازی شود.»

حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی گفت: «در اختیار گذاشتن وسیله‌تقلیه و تسهیل زیارت از جمله اقداماتی است که تاکنون آستان قدس رضوی انجام داده اما نباید به همین میزان بسنده شود؛ باید از روشندان درباره مشکلات‌شان برای تشریف به حرم مطهر رضوی پرسید و این مشکلات را در اسرع وقت برطرف کرد.»